



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: صحیح و اعم

تاریخ: ۲۴ دی ۱۳۹۲

موضوع جزئی: امر دوم: استقلال بحث صحیح و اعم

مصادف با: ۱۲ ربیع الاول ۱۴۳۵

سال: پنجم

جلسه: ۵۵

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم برای تصویر نزاع صحیح و اعم به نحوی که شامل قول منکرین حقیقت شرعیه و مجازیت استعمالات شارع هم بشود و جوهی ذکر شده، ما تصویر مرحوم آخوند از محل نزاع را بیان کردیم، البته ایشان اشکالی به کلام خود وارد کرد، وجه دوم از طرف محقق نائینی مطرح شده، این وجه در واقع راهی است برای تصویر نزاع به نحوی که اشکال محقق خراسانی وارد نباشد، پس بیان محقق نائینی به نوعی برای این بود که اشکال مطرح شده از طرف مرحوم آخوند را حل کند.

#### وجه سوم: محقق اصفهانی

بیانی در تقریرات مرحوم شیخ انصاری وارد شده که این بیان را محقق اصفهانی در کتاب نه‌ایة الدراية نقل کرده است، ایشان از کتاب مطارح الانظار - کتاب مطارح الانظار که تقریرات درس اصول مرحوم شیخ است توسط میرزا ابوالقاسم نوری تهرانی مشهور به کلانتری تقریر شده است - یک وجه دیگری را برای تصویر نزاع بین صحیح و اعم طبق قول منکرین حقیقت شرعیه ارائه می‌دهد.

محقق اصفهانی به نقل از کتاب مطارح الانظار می‌گوید: اساساً الفاظ عبادات و معاملات در نزد کسی که صحیحی است در عبادت و معامله صحیح، مجازاً استعمال می‌شود به خاطر علاقه‌ای که بین معنای حقیقی و لغوی و معنای صحیح وجود دارد و هیچ اشکالی هم متوجه چنین استعمالی نیست اما در نظر صحیحی یعنی کسی که قائل است شارع از الفاظ عبادات و معاملات خصوص صحیح را اراده کرده اگر بنا به شرایط لازم شد شارع مثلاً لفظ «صلاة» را در نماز فاسد استعمال کند در این صورت این استعمال به خاطر علاقه بین معنای لغوی و معنای فاسد نیست، چون همان طور که قبلاً هم گفتیم بین معنای فاسد و معنای لغوی لفظ هیچ علاقه‌ای وجود ندارد، همچنین این استعمال از قبیل مجاز در مجاز هم نیست آن گونه که مرحوم آخوند فرمود، ایشان گفت بین معنای لغوی و معنای صحیح علاقه وجود دارد اما بین معنای لغوی و معنای فاسد هیچ علاقه و تناسبی متصور نیست لکن یک علاقه و تناسبی بین معنای صحیح و فاسد وجود دارد که این تناسب باعث می‌شود استعمال به نحو مجاز در مجاز باشد. اما محقق اصفهانی می‌گوید استعمال الفاظ عبادات و معاملات در عبادات و معاملات فاسد نه از قبیل استعمال مجازی است و نه از قبیل مجاز در مجاز بلکه به خاطر تصرف در یک امر عقلی است، مثلاً اینکه

شارع لفظ «صلاة» را در نماز بی وضوء یا نماز در پوست حیوان حرام گوشت هم استعمال کرده و گفته «الصلاة فی وبر ما لایؤکل لحمه باطل» و در عین حال که این نماز فاسد است ولی شارع لفظ «صلاة» را بر این نماز فاسد هم اطلاق کرده، این استعمال به خاطر یک امر عقلی است که عبارت است از تنزیل المعدوم منزلة الموجود، یعنی آنچه را که باید باشد و نیست را نازل منزله موجود قرار دادن، یک سری اجزاء و شرائط باید باشد مثلاً نماز تام الاجزاء و الشرائط نماز ده جزئی است و نمازی را که مثلاً یک جزء را ندارد ناقص است ولی شارع عنوان «صلاة» را در این نماز ناقص هم بکار برده و این به خاطر قرینه عقلی تنزیل المعدوم منزلة الموجود است، یعنی شارع آن اجزاء و شرائط معدوم را نازل منزله اجزاء و شرائط موجود قرار می‌دهد و می‌گوید کأنّ آن شرط معدوم هم وجود دارد.

البته این معمولاً در جایی اتفاق می‌افتد که اکثر اجزاء و شرائط وجود داشته باشد اما در جایی که اکثر اجزاء و شرائط محقق نباشد مثلاً ۹ جزء از اجزاء ده‌گانه نماز مفقود باشد نمی‌توان گفت معدوم بمنزله موجود است و صدق عنوان نماز بر چنین نمازی صحیح نیست.

پس استعمال الفاظ عبادات و معاملات در عبادات و معاملات فاسد نه از قبیل استعمال مجازی است و نه از قبیل مجاز در مجاز، مثلاً وقتی شارع لفظ «صلاة» را که لغةً به معنای دعاست در عبادت تام الاجزاء و الشرائط استعمال می‌کند این استعمال مجازی است اما وقتی همین لفظ را طبق قول صحیحی در فاسد استعمال می‌کند اصلاً مجاز نیست، چون جزء و شرط معدوم نازل منزله موجود فرض شده، یعنی گویا آن جزء و شرط معدوم هم وجود دارد و هیچ نقص و اشکالی در آن نماز نیست. پس در واقع وقتی لفظ «صلاة» در معنای فاسد استعمال شده اصلاً مجاز هم تحقق پیدا نکرده است، البته مجاز از حیث معنی تحقق پیدا نکرده و الا چون لفظ در غیر ما وضع له استعمال شده مجاز محسوب می‌شود. پس نزاع صحیحی و اعمی طبق نظریه منکرین حقیقت شرعیه به بیانی که از طرف محقق اصفهانی ذکر شد قابل تصویر است.

اما بنا بر قول اعمی صحیح و اعم در مجازیت مساوی هستند و بین آنها فرقی نیست.

محقق اصفهانی بعد از کلام صاحب کتاب مطارح الانظار تکلمه‌ای دارد و می‌گوید: بنا بر قول به اعم بهتر است گفته شود لفظ دائماً در اعم استعمال می‌شود اما خصوصیت صحیح یا فاسد بودن از یک دال دیگری بدست می‌آید، اگر دال دیگری وجود نداشت لفظ بر ظاهرش حمل می‌شود که معنای اعم است.<sup>۱</sup>

#### نتیجه:

تا اینجا ما سه تصویر از نزاع بین صحیح و اعم ارائه دادیم؛ اول تصویر محقق خراسانی، دوم تصویر محقق نائینی و سوم تصویر محقق اصفهانی. هدف از ارائه این سه تصویر این بود که بگوییم نزاع بین صحیحی و اعمی بنا بر قول به عدم ثبوت

۱. نهاية الدراية، ج ۱، ص ۹۳-۹۴.

حقیقت شرعیه متصور است. پس عمده این است که نزاع بین صحیحی و اعمی حتی بنا بر قول به عدم ثبوت حقیقت شرعیه هم متصور است.

#### اشکال شهید صدر به محقق خراسانی:

شهید صدر یک اشکالی به اعتراض خود مرحوم آخوند ایراد کرده، مرحوم آخوند بعد از تصویری که از نزاع بین صحیحی و اعمی ارائه دادند اشکالی را مطرح کرده و فرمود این تصویر ثبوتاً ممکن است ولی قابل اثبات نیست.

شهید صدر در اشکال به مرحوم آخوند می‌فرماید: اشکال مرحوم آخوند به تصویری که خودش ارائه کرد صحیح نیست و مجاز در مجاز اشکالی در پی ندارد و قابل تحقق است، طولیت بین معانی مجازیه قابل انکار نیست و در علم معانی و بیان به عنوان یک سبک معرفی شده ولی مشکل این است که ما نمی‌توانیم این کبری را بر ما نحن فیه منطبق کنیم، یعنی مجاز در مجاز درست است اما انطباق آن بر ما نحن فیه خالی از اشکال نیست، زیرا لازمه پذیرش این سخن این است که اعم در طول صحیح قرار داده شود (طولیت اعم برای صحیح) یعنی نخست بین معنای لغوی و معنای صحیح یک علاقه‌ای لحاظ شود مثلاً یک علاقه‌ای بین دعا که معنای لغوی «صلاة» است با نماز تام الاجزاء و الشرائط که معنای مجازی «صلاة» است لحاظ شود بعد در طول معنای صحیح نماز ناقص الاجزاء و الشرائط را در نظر بگیریم و بگوییم معنای اعم از صحیح و فاسد در طول معنای صحیح است در حالی که طولیت اعم برای صحیح باطل است، بالاخره شارع یا علاقه معنای لغوی لفظ را با معنای صحیح لحاظ می‌کند یا علاقه بین معنای لغوی و معنای اعم را مورد لحاظ قرار می‌دهد، یعنی صحیح و اعم از دید شارع در یک درجه هستند اما طبق تصویری که مرحوم آخوند ارائه داده اعم در طول صحیح قرار داده شده، بنابراین، این تصویر اشکال دارد.<sup>۱</sup>

#### پاسخ:

به نظر ما کلام شهید صدر تمام نیست، نزاع این است که در عین حال که ما منکر حقیقت شرعیه هستیم می‌گوییم شارع مجازاً الفاظ عبادات و معاملات را در معنای صحیح یا در اعم از صحیح و فاسد استعمال کرده ولی سؤال این است که آیا شارع علاقه بین معنای لغوی و معنای صحیح را مورد لحاظ قرار داده تا صحیحی باشیم یا علاقه بین معنای لغوی و معنای اعم را تا اعمی باشیم؟ در این صورت معنای صحیح و اعم در یک درجه هستند و طولیت اعم برای صحیح فقط بنا بر قول صحیحی تصویر می‌شود، یعنی اگر ما صحیحی شدیم و گفتیم شارع الفاظ عبادات و معاملات را به واسطه رعایت علاقه بین معنای لغوی و معنای صحیح مجازاً در معنای صحیح استعمال کرده، حال اگر شارع بخواهد مثلاً لفظ «صلاة» را در نماز فاسد استعمال کند مجاز در مجاز پیش خواهد آمد، پس طولیت اعم برای صحیح زمانی مطرح می‌شود که ما صحیحی باشیم ولی

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۱، ص ۱۸۸.

اگر شارع لفظ را در معنای اعم از صحیح و فاسد استعمال کند قهراً استعمال در اعم از طرف شارع در طول صحیح خواهد بود، پس طولیت اعم برای صحیح بنا بر فرضی متصور است که ما صحیحی باشیم و این طولیت در اصل تصویر نزاع نیست که شهید صدر اشکال کرده و می‌گوید چون درجه صحیح و اعم نزد شارع مساوی است مجالی برای طولیت اعم برای صحیح نیست. پس شهید صدر طولیت اعم برای صحیح را در غیر جای خودش تصویر کرده لذا اشکال ایشان وارد نیست.

خلاصه اینکه اگر ما نظر نهایی مرحوم آخوند را بپذیریم نتیجه این می‌شود که بحث صحیح و اعم مستقل از بحث حقیقت شرعیه نیست بلکه متفرع بر بحث حقیقت شرعیه می‌باشد. اما اگر نظر محقق نائینی یا نظر محقق اصفهانی را بپذیریم نتیجه این می‌شود که بحث صحیح و اعم مستقل از بحث حقیقت شرعیه است و وابسته به این بحث نیست.

**بحث جلسه آینده:** بررسی نظر محقق اصفهانی و محقق نائینی، همچنین تصویر نزاع طبق نظریه باقلانی را انشاء الله در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»